

«آثار خاندان‌های خوشنویس ایرانی» در کتابخانه و موزه آستان قدس رضوی (از دوره غزنوی تا قاجاریه)

کیانوش معتقدی

چکیده:

کتابخانه و موزه آستان قدس رضوی مشهد، یکی از بزرگ‌ترین مجموعه‌های کتب خطی فارسی و عربی در جهان به شمار می‌رود. در میان نمونه‌های فراوان مصحف قرآنی موجود در این مجموعه، مصاحف ممتاز و نفیسی نیز وجود دارند که نه تنها به لحاظ نسخه شناسی، بلکه اثر نظر فن کتاب‌آرایی (خوشنویسی، تذهیب و تجلید)، محل کتابت و نام واقفین آنها جزو نمونه‌های منحصربه‌فرد و یگانه تاریخ هنر اسلامی شناخته می‌شوند. اما چندین مصحف بسیار نفیس از دوره‌های مختلف تاریخی این مجموعه، یادگار خاندان‌های هنرمند ایرانی است که در امر تولید مصاحف قرآنی به صورت گروهی همکاری داشته‌اند و تکنیک‌ها و آموزه‌های این سنت پسندیده را از نسلی به نسل دیگر انتقال داده‌اند.

با این‌همه، تاریخ هنر، نام تعداد محدودی از این خاندان‌ها را برای ما به‌جای گذاشته و در پی تحقیق و بررسی نسخ خطی و گاه کتیبه‌های بناها می‌توان ردی از کتیبه و نسب فامیل این زیبایی‌آفرینان را دنبال و با تطابقات تاریخی و تأملی در رسالات و نوشته‌هایی در باب هنر (از دوره‌های مختلف) تاریخچه و اعضای هنرمند یک خاندان را شناسایی کرد. اما، در این فرصت تنها به معرفی تأثیرگذارترین این خاندان‌ها که آثارشان در کتابخانه و موزه حرم امام هشتم (ع) موجود است می‌پردازیم و آثار شاخصشان را بررسی می‌کنیم، خاندان‌هایی همچون: وراق غزنوی، خطیب، راوندی، تیموری (بایسنقرمیرزا و ابراهیم میرزا)، روزبهان شیرازی، خوارزمی، ارسنجانی، وصال شیرازی و....
گفتنی است چندین خاندان هنرمند ایرانی نیز در دربار گورکانیان هند (سده‌های دهم تا دوازدهم هجری) فعالیت داشتند، که آثارشان در همین مجموعه نگهداری می‌گردد اما بررسی و معرفی آنها در این مقاله ارایه نمی‌شود.

کلید واژگان: خاندان‌های ایرانی، خوشنویسی، تذهیب، وراق غزنوی، راوندی، روزبهان شیرازی، ارسنجانی، وصال.



درآمد

خوشنویسی و تذهیب، هنر ناب ایرانی است و بررسی اصول و مبانی آن صرف نظر از هر نوع تفکر مذهبی یا آیینی، کاملاً زیبایی‌شناختی بوده و بی‌شک این جاذبه سحرآمیز و شگفت‌انگیز ریشه در «جمال دنیوی و زیبایی زمینی» دارد. البته در این میان تأثیر مستقیم عناصری هم چون «اسطوره، عرفان و مذهب» نیز به گونه‌ای انکارناپذیر مبانی این صورت و ظاهر را در عین دست نیافتنی بودن بسیار محتمل و نزدیک می‌کند.

از طرفی، سنت کتابت قرآن و نگارش شاهنامه‌های مصور و نفیس در ایران، به‌خصوص از سده‌های میانی به بعد، همواره مورد توجه هنرمندان مذهب خوشنویس و نقاش بوده است و آنها با تشکیل کارگاه‌ها و کتابخانه‌ها به دستور امرای وقت زمینه رشد و شکوفایی هنر کتاب‌آرایی را بیش از پیش فراهم کرده‌اند.

برای درک مفاهیم سنتی و سبک‌های هنری، باید دیدگاه خاص فرهنگی-اجتماعی هر دوره تاریخی را نیک دریافت، چرا که این مفاهیم در درون آنها به‌وجود آمده است. از سوی دیگر روش کار برخی هنرمندان آن چنان تأثیرگذار بوده، که گاه سبک کاری یک هنرمند نه تنها توسط اعضای خانواده و شاگردانش، بلکه تا دهه‌ها و سده‌ها از سوی دیگر هنرمندان مورد پیروی و تقلید قرار می‌گرفته است.

اما اثر آغاز دوره اسلامی تا حدود اواسط سده سوم هجری که نمونه‌های بسیار اندکی از هنر کتاب‌آرایی ایران باقی مانده، تقریباً امضا و رقمی که بتوان به‌وسیله آن به صراحت خاندان هنرمندی را شناسایی کرد، در دست نیست. لازم به ذکر است که مجموعه‌ای از مصاحف قرآنی منسوب به ائمه اطهار (ع) در موزه‌های داخل و خارج از ایران موجود می‌باشد که نمی‌توان اصالت آنها را به راحتی تأیید نمود.^۱

اما، علاوه بر اینها خاندان‌های هنرمند ایرانی در زمینه‌های دیگر هنری همچون نقاشی، صحافی، وراقی و رنگ‌سازی نیز فعال بودند و نه تنها در کارگاه-کتابخانه‌های سلطنتی بلکه در بازارهای شهرهای مهم آن روزگار (مانند غزنه و بغداد) دارای تشکیلات و صنف بودند. با این همه شاید سرآغاز کار خاندان‌های خوشنویس ایرانی را بتوان در دربار سامانیان و در کار خاندان «عبدالصمد شیرازی» جستجو کرد، پس از این دوران است که هنرمندی همچون «عثمان وراق غزنوی»، که بی‌شک یکی از قله‌های هنر خط و تذهیب ایرانی است، در منطقه خراسان بزرگ ظهور می‌کند. البته کمی بعد نیز خاندان‌هایی همچون «خطیب» و «راوندی» در مناطق مرکزی ایران (ری، کاشان و اصفهان) با تکیه بر همین سنت چندصدساله به کار استنساخ مصاحف می‌پردازند، که آثارشان در گنجینه آستان قدس رضوی نگهداری می‌گردد.

روند شکل‌گیری کارگاه-کتابخانه‌های سلطنتی در دربارهای سلجوقی و ایلخانی همچون گذشته ادامه یافت^۲ و در این رهگذر هنرمندان بسیاری فعالیت داشتند که گاه فرزندانشان نیز ادامه دهنده کار سلف خود بودند.

پادشاهان تیموری و به ویژه دو شاهزاده هنرمند یعنی «بایسنقر میرزا و ابراهیم میرزا» حامیان مهم هنر کتاب‌آرایی ایرانی در سده نهم هجری بودند. آنان که خود خوشنویس بودند، سفارش دهنده مجموعه عظیمی از کتب نفیس (قرآن، شاهنامه، و دیوان اشعار) بودند، و همچنین آثار جالب توجهی مانند مصحف قرآنی (قرآن بایسنقری و قرآن ابراهیم سلطان موجود در کتابخانه مشهد) و چندین کتیبه در بناهای شیراز، مشهد و هرات از خود به یادگار گذاشتند.

دهه‌های پایانی سده نهم و اوایل سده دهم هجری - که عصر طلایی هنر کتاب‌آرایی ایران به‌ویژه در قالب مکاتب شیراز، هرات و تبریز به حساب می‌آید- بیشترین تعداد خاندان‌های خوشنویس و مذهب را در خود جای داده است. اثر آن میان، خاندان روزبهان شیرازی شاید تأثیرگذارترین باشد، البته دو خاندان صاحب‌سبک دیگر در همین دوران - که اتفاقاً با خاندان روزبهان در تهیه چند مصحف کم‌نظیر همکاری نیز داشته‌اند- عبارت بودند از: خاندان خوارزمی و اوحدی حسینی.

بنابر گفته‌های «بداع منشی قزوینی» که در سده دهم هجری به شیراز سفر کرده بود، تمام مراحل تهیه کتاب‌های دست‌نویس در کارگاه‌های شخصی و توسط پدر، دختران و پسران انجام می‌گردید. تا آنجا که در کتاب «جوهر الاخبار» (۹۸۴ هجری) چنین آمده: «اگر کسی در شیراز یک هزار جلد کتاب مذهب بخواهد، در مدت یک سال همه آن مهیا می‌گردد. در این شهر همه اثر یک سرمشق پیروی می‌کنند، در نتیجه تشخیص آثار آنها از یکدیگر دشوار است» و از این نکته به‌عنوان جوهره یک شغل خانوادگی یاد می‌کند.

سنت یادگیری هنر کتاب‌آرایی در دربار صفویان نیز همچون پیشینیان ادامه یافت و شاه طهماسب که خود نقاش و خوشنویس بود، دستور تهیه یکی از مهم‌ترین آثار تاریخ کتاب‌آرایی ایران، یعنی «شاهنامه شاه طهماسبی» را داد. سلطان ابراهیم میرزا صفوی (نوه شاه اسماعیل) نیز در قلم نستعلیق تبحر داشت. نمونه‌های فراوانی از مصاحف قرآنی موجود در کتابخانه آستان قدس مشهد، از سوی «شاه عباس» صفوی و دیگر اعضای خاندانش وقف حرم امام هشتم شیعیان گردیده بود.

به طوری هم‌زمان و بعد از حضور «همایون» پادشاه گورکانیان در ایران و مهاجرت تنی چند از هنرمندان ایرانی به هند، در کارگاه-کتابخانه‌های سلطنتی هند به تقلید از دربارهای ایران و با کلانتری (سرپرستی) هنرمندان ایرانی

پیوسته و پویا برخوردار گردید و آثار کم‌نظیری در عرصه کتاب‌آرایی (قرآن‌نگاری) عرضه گردیده است.

خاندان وراق غزنوی احتمالاً مهم‌ترین و قدیمی‌ترین خاندان مستنسخ در شهر غزنه سده‌های پنجم و ششم هجری بوده‌اند. شغل وراقی که شامل کتابت، تذهیب، تجلید و گاه بازنویسی نسخ بود، شامل صنفی به همین نام بود، که علاوه بر حضور در کارگاه‌های سلطنتی (همچون کتابخانه سلطان مسعود و محمود غزنوی) در بازار شهرها نیز فعالیت داشتند.

همچنین وجود کلمه «وراق» و «غزنوی یا بغزنه» خود مؤید این نکته است که این مصاحف در دربار پادشاهان غزنوی تهیه گردیده که گاه به اشتباه با نام شیوه «سلجوقی» معرفی شده‌اند.

اعضای این خاندان عبارت بودند از: «علی بن احمد الوراق» کاتب قرآنی، مشهور به «مصحف الحزینه» (۴۱۰ هجری)، «ابوبکر محمد بن رفیع الوراق» کاتب «آداب الخلق النبوی» (۴۴۱ هجری) محفوظ در کتابخانه دانشگاه لیدن هلند، «ابو عمرو عثمان بن حسین بن ابوسهل وراق غزنوی»، معاصر آل اربلان و ملکشاه سلجوقی (۴۵۵-۴۶۶ هجری) کاتب قرآن سی‌پاره کتابخانه مشهد و تفسیر قرآن کتابخانه تویقایی سرای، «عثمان بن محمد» کاتب قرآن بُست (۵۰۵ هجری) محفوظ در کتابخانه ملی پاریس، «ابوبکر بن احمد بن عبیدالله الغزنوی» کاتب بخشی از قرآن (۵۶۶ هجری) محفوظ در دارالکتب قاهره و «محمد بن عثمان وراق غزنوی» (۶۱۴ هجری) کاتب جزء سی از قرآن محفوظ در کتابخانه آستان قدس رضوی مشهد. شیوه خوشنویسی این خاندان، کوفی ایرانی (پیرآموز) بود و در تذهیب واضح شیوه ای نوین در تزیین مصحف بودند.

مجموعه نفیسی از کتب، مرقعات و کتیبه‌نگاری به خربان فارسی (به‌ویژه خط نستعلیق) تهیه و تولید گردید.

از حدود سده یازدهم هجری به بعد فعالیت خاندان‌های هنرمند ایرانی، با تمرکز در شهرهای شیراز و اصفهان ادامه یافت، که از میان شاخص‌ترین آنها می‌توان به خاندان‌های ارسنجانی، مذهب باشی و وصال شیرازی و... اشاره کرد. بدیهی است، اسامی خاندان‌هایی که در ادامه معرفی می‌گردند تنها بخشی از خاندان‌های هنرمند در تاریخ کتاب‌آرایی ایران به حساب می‌آیند، که صاحب سبک و تأثیرگذارتر از دیگران بوده‌اند.



جزو سی از قرآن، کاتب «محمد بن عثمان وراق غزنوی» (۶۱۴ هجری)، کتابخانه آستان قدس مشهد

خاندان وراق غزنوی (سده‌های ۵ تا ۷ هجری)

با استقرار حکومت غزنویان، خراسان به یکی از عمده‌ترین پایگاه‌های فعالیت‌های فرهنگی- هنری کشور مبدل گردید و طی این دوره و در سایه تعامل و تلفیق شیوه‌های کهن (ساسانی و مانوی) منطقه، با شیوه‌های سرزمین‌های غربی آن روزگار (به‌ویژه مکتب بغداد) هنرهای همچون خوشنویسی و تذهیب در مکتب خراسان، اثر تحوّل





قرآن به خط «تاج‌الدین علی راوندی» و تذهیب «علی بن سلیمان راوندی»، سده ۶ هـ ق، کتابخانه آستان قدس رضوی مشهد

خاندان راوندی (سده ۶ هـ ق)

خاندان راوندی، همچون خاندان خطیب در منطقه کاشان (راوند) و اصفهان تمرکز داشتند و علاوه بر کاسر کتابت و تذهیب مصحف، در زمینه ادبیات و تاریخ نگاری نیز فعالیت می‌نمودند. یکی از برجسته‌ترین اعضای این خاندان «تاج‌الدین احمد بن محمد بن علی راوندی» خوشنویس است که مصحف قرآنی را در تاریخ ۵۸۶ هـ ق به خط نسخ کتابت کرده است. این نسخه ارزشمند توسط برادرزاده‌اش «نجم‌الدین محمد بن علی بن سلیمان بن محمد راوندی» در تاریخ ۵۸۷ هـ ق تذهیب شده است. نسخه مذکور امروزه در کتابخانه آستان قدس مشهد (با شماره ثبت ۲۲۶۱) نگهداری می‌گردد.

علی بن سلیمان علاوه بر تذهیب و کتابت، مؤلف کتاب معروف «*راحة الصدور*» نیز بوده است. وی در روزگار سلجوقیان (۵۵۵ هـ ق) در راوند به دنیا آمد، پدری مادری وی (محمد بن علی بن احمد) و دو خال وی تاج‌الدین احمد و زین‌العابدین مجدالاسلام محمود، از دانشمندان و هنرمندان عصر خود بودند. او نزد دایی‌اش «تاج‌الدین» در اصفهان تحصیل کرد و بعد از انقراض دولت سلجوقیه و کشته شدن طغرل و آمدن خوارزمشاهیان، از عراق به بلاد آسیای صغیر مسافرت نمود و در پناه کیخسرو و بن قلیج ارسلان کتاب *راحة الصدور* را به سال ۵۹۹ هـ ق آغاز و در سال ۶۰۳ هـ ق به پایان رساند؛ اما نمی‌توان تأثیرات «خاندان راوندی» را بر شیوه نسخ‌نویسی ایرانی نادیده گرفت، به ویژه که آنها به لحاظ زمانی نیز پیش از یاقوت می‌زیسته‌اند و به وضوح می‌توان اثر روی رسم‌الخطشان، با شیوه نسخ‌نویسی آن روزگار آشنا شد، چرا که شیوه نسخ‌نویسی آن روزگار بیشتر نزدیک به محقق بوده نه ثلث.



قرآن به خط «علی الخطیب»، ۵۳۵ هـ ق، کتابخانه آستان قدس رضوی مشهد

خاندان خطیب (سده ۶ هـ ق)

در میان خاندان‌های هنرمند ایرانی سده‌های پنجم و ششم هـ ق کمتر نمونه‌های رقم‌دار از مناطق مرکزی ایران به‌دست آمده و تمرکز کار این خاندان‌ها بیشتر در منطقه خراسان بزرگ یا بغداد بوده، اما یک استثنا در این میان، خاندان «خطیب» است که احتمالاً در منطقه ری و کاشان به کار استنساخ کتب مشغول بوده‌اند. اولین هنرمند این خاندان ایرانی «ابوالقاسم الحسین بن الحسین بن احمد بن علی الخطیب» بود که در تاریخ ۵۳۵ هـ ق کاسر کتابت قرآنی را انجام داده که امروزه در کتابخانه آستان قدس رضوی مشهد (با شماره ثبت ۵۶) نگهداری می‌گردد. وی احتمالاً پدر خوشنویس قرآن دیگری (با شماره ثبت ۶۶۱) موجود در همین مجموعه می‌باشد. این مصحف که با شیوه خوشنویسی مرسوم اواخر سده پنجم هـ ق و با استفاده از خط کوفی ایرانی دوران گذار به نسخ انجام پذیرفته، دارای نقطه‌گذاری به صورت خطوط مایل و اعراب به رنگ قرمز شنگرفی و سبز است و واقف قرآن، «علی بن اسمعیل بن ابی مسعود» در همان سال کتابت اثر، این مصحف را در حضور شاهدی به نام «علی بن حمزه بن علی البراز» وقف آستان قدس رضوی نموده است.

اما نسخه دیگر متعلق به این خاندان نیز نمونه‌ای است از قرآن‌های مترجم سده ۶ هـ ق، که اثر سوی پسرش یعنی «ابوعلی حسن بن محمد بن حسن خطیب» در تاریخ صفر ۵۵۶ هـ ق در قریه کهکابر (در نزدیکی ری) کتابت شده است. ترجمه این اثر یکی از کهن‌ترین ترجمه‌های فارسی در میان مصاحف قرآنی است.



منتخب ۱۲ سوره قرآن به خط «ابراهیم سلطان»، سده ۹ هـ ق، کتابخانه آستان قدس رضوی مشهد

بایسنقر میرزا: «بایسنقر»، پسر شاهرخ پسر تیمور (۸۰۲-۸۳۷ هـ ق) اثر خوشنویسان برجسته سده نهم هجری بود. این شاهزاده تیموری شاگرد شمس بایسنقری و در کتابت خطوط ششگانه (اقلام سته) به ویژه خطوط محقق و ثلث استادی طراز اول بوده است. از وی چندین کتیبه کاشی کاری و مصحف قرآنی باقی مانده، اثر جمله کتیبه‌های ایوان مسجد گوهرشاد به خط ثلث که در بیست سالگی کتابت نموده است.

خاندان تیموری (بایسنقر میرزا و ابراهیم میرزا)

در آستانه سده نهم هجری، پیوند عمیقی میان مکتب‌های هنری شیراز، بغداد و تبریز برقرار گردید. البته این پیوندها به سبب مهاجرت هنرمندان بزرگ، به دستور امیر تیمور و پس از فتح بغداد (۷۹۵ هـ ق) و تبریز (۸۰۴ هـ ق) انجام گرفت؛ اما با ورود تیموریان به صحنه کتاب‌آرایی مکتب شیراز، گرایش نو وارد این مکتب گردید؛ یعنی رویکردی ترکی- مغولی با گرایش‌های ایرانی درآمیخت و ترکیبی نو فراز آورد.



قرآن به خط «روزبهان محمد طبعی شیرازی»، سده دهم هـ ق، کتابخانه آستان قدس رضوی مشهد

(۵۲۲-۶۰۶ هـ.ق) می رسد. علاوه بر اینها دو خوشنویس با کتیبه روزبهان می شناسیم: نخست کاتبی با نام «فیروز بن روزبهان» که در ۵۱۴ هـ.ق، نسخه‌ای از کتاب «الرقص المنطق» ابن سینا را به خط نسخ نگاشته و امروزه در کتابخانه دانشگاه لیدن (با شماره ثبت Or ۱۸۴) نگهداری می‌گردد و دومین شخص «محمود بن اسمعیل بن روزبهان بن احمد بن الشیخ روزبهان» کاتب مصحف قرآنی است، که در ۷۴۳ هـ.ق، وقف بقعه روزبهان شده و اکنون در موزه شاهچراغ (ع) شیراز نگهداری می‌گردد. در میان رسالات فارسی که در باب خوشنویسی نوشته

بایسنقر میرزا بسیار خوشگذران بوده و با تجمل می‌زیست. وی حکومت بخش‌هایی از خراسان بزرگ را برعهده داشت و کتابخانه-کارگاه کتاب‌سازی بزرگی را با حضور هنرمندان برجسته روزگار خویش بنا نهاد. بیشتر آثار باقی‌مانده از دوران بایسنقر، حاصل مکتب هرات در هنرهای خوشنویسی، تذهیب، تجلید و نقاشی است. علاوه بر آثار ذکر شده، کتابت بزرگ‌ترین قرآن خطی جهان اسلام (به لحاظ اندازه صفحه و قطع قلم) را به وی نسبت داده‌اند، که به قرآن بایسنقری معروف است. این مصحف که امروزه بیشترین تعداد اوراق آن در مجموعه آستان قدس رضوی نگهداری می‌گردد، احتمالاً اثر «عمر اقطع»، خوشنویس روزگار تیمور بوده ولی به لحاظ نبود رقم (امضا) نمی‌توان خوشنویس آن را شناسایی کرد.

ابراهیم سلطان: «ابراهیم سلطان بن شاهرخ»، شاهزاده هنرمند و دانش‌دوست تیموری، متولد ۷۹۶ هـ.ق، نوه امیر تیمور گورکانی و از بزرگ‌ترین حامیان هنر و فرهنگ ایرانی است. وی خوشنویسی طراز اول به‌ویژه در خطوط ثلث و محقق بوده است. ارزش فعالیت‌ها و حمایت‌هایش از هنر و علوم، گاه در سایه خدمات برادرانش «بایسنقر میرزا و الغ بیگ» نادیده گرفته شده است. ابراهیم سلطان، در قلم نسخ پیرو سبک یاقوت مستعصمی بود. «پیرمحمد شیرازی» را استاد وی در خوشنویسی می‌دانند. کتابت تعدادی مصحف قرآنی با رقم وی در فاصله سال‌های ۸۱۶-۸۲۵ هـ.ق انجام پذیرفته است. وی علاوه بر قرآن‌نگاری به خاطر «کتیبه‌نگاری» برای چند بنا نیز شهرت دارد که از آن جمله می‌توان کتیبه‌ای به قلم ثلث بر دیوار سنگی بقعه شاه «میرعلی بن حمزه»، کتیبه بقعه «میرعلاء‌الدین حسین» در شیراز و سه کتیبه بر دیوار تالار داریوش در تخت جمشید را نام برد. منتخبی از دوازده سوره قرآن در قطع بزرگ به خط محقق جلی و تذهیب مکتب شیرازی (احتمالاً نصر سلطانی) و رقم وی، در کتابخانه آستان قدس مشهد (با شماره ثبت ۴۱۴) و قرآنی به خط نسخ در موزه متروپلیتن نیویورک، شاخص‌ترین آثار وی به شمار می‌آیند.

خاندان روزبهان شیرازی (سده‌های نهم و دهم هـ ق)

این چنین به نظر می‌آید که نام خاندان «روزبهان شیرازی»، در زمینه کتابت و تذهیب در شهر شیراز از دهه‌های آغازین سده دهم هجری، به‌عنوان هنرمندانی پرکار و صاحب‌سبک همواره مورد توجه بوده است. پدر روزبهان، یقیناً همان کاتب مشهور شیرازی است که مصاحفی متعدد را در نیمه دوم سده نهم هـ ق کتابت و در پایان نسخه‌ای از خمسه نظامی، خود را با عنوان «نعیم‌الدین بن صدر الدین مذهب» معرفی کرده است. از سوی دیگر، نسب فامیلی این خاندان شیرازی، به عارف و صوفی بزرگ «شیخ روزبهان بقلی شیرازی» کبیر



قطعه چلیپا، میرعماد الحسنی، مرقع ۵۸۰۳، کتابخانه آستان قدس رضوی مشهد

شده، به نام هزمنده عارف «یعقوب بن حسن سراج الحسینی شیرازی» برمی‌خوریم که خود خوشنویس و اثر نبیرگان صدرالدین روزبهان خوشنویس نیز بوده است. این رساله به نام «تحفة المحبین» در تاریخ ۸۵۸ هـ ق نگاشته شده و از جمله کامل‌ترین رسالات درباره آداب و اصول خوشنویسی است.

سلسله فامیلی این خاندان پس از شیخ روزبهان بقلی عبارت است از: ۱- صدر بن محمد ۲- شیخ فخرالدین احمد ۳- صدرالدین روزبهان ثانی ۴- شمس الدین عبداللطیف (مؤلف روح الجنان) ۵- شرف الدین ابراهیم (مؤلف تحفة العرفان) ۶- اسماعیل (برادر شرف الدین ابراهیم و شمس الدین) ۷- صدرالدین روزبهان ثالث ۸- محمود بن اسمعیل بن روزبهان ۹- صدرالدین روزبهان (استاد سراج الحسینی). از میان آثار قرآن‌نگاری روزبهان طبعی شیرازی، می‌توان به مصاحف قرآنی کتابخانه‌های چستربیتی دویلین، آستان قدس رضوی مشهد، تویقاپی سرای استامبول و سلطنتی اُنتاریوی کانادا اشاره کرد.^۴

خاندان خوارزمی (سده‌های نهم و دهم هـ ق)

خاندان خوارزمی نیز همچون دیگر خاندان‌های خوشنویس ایرانی، کار کتابت و تهیه مصحف را به صورت موروثی دنبال می‌کردند. پدر این خانواده «عبدالرحمن خوارزمی» اثر خوشنویسان برجسته سده نهم هجری در شیراز بود و پس از وی دو فرزندش با نام‌های «عبدالرحیم» (معروف به انیسی) و «عبدالکریم» (ملقب به پادشاه و یعقوبی) کار کتابت چندین مصحف قرآنی و دیوان اشعار سرا بر عهده داشتند که اتفاقاً با روزبهان طبعی شیرازی هم‌دوره و هم‌کار بودند.

خاندان اوحدی حسینی (سده‌های نهم و دهم هـ ق)

خاندان «اوحدی حسینی» از جمله خوشنویسان نام‌دار شیرازی محسوب می‌شوند که با روزبهان هم‌دوره بودند. پدر این خاندان «منعم الدین اوحدی حسینی» در فاصله سال‌های ۸۹۱-۹۲۶ هـ ق دست کم کتابت هفده نسخه را انجام داده و فرزندش «احمد» نیز همچون روزبهان محمد، کاتب و مذهب بوده و هم‌چون پدر روزبهان، ملقب به «نعیم الدین» بوده است.

گفتنی است خوشنویسی دیگر، با کنیه «حسینی» نیز در بخارا حضور داشت که احتمالاً اثر اعضای این خاندان به حساب می‌آید.

خاندان میرعلی تبریزی (سده نهم هـ ق)

میر علی تبریزی، فرزند حسن تبریزی احتمالاً واضع خط نستعلیق، کاتب نسخه‌های نفیس به خط نستعلیق است که قواعد و آداب خوشنویسی ایرانی را به فرزندش «عبدالله بن میرعلی» ملقب به «شیرین قلم» نستعلیق‌نویس و استاد جعفر تبریزی آموخت.

خاندان میرعماد الحسنی (سده‌های ۱۰ تا ۱۲ هـ ق)

بی‌شک در تاریخ خوشنویسی ایران، «میرعماد حسینی سیفی» یک استثنا به حساب می‌آید. وی که سرآمد نستعلیق‌نویسان همه زمان‌ها بود، خط را نزد «ملا محمد حسین تبریزی» فراگرفت. ابتدا به روش میرعلی هروی می‌نوشت، ولی پس از مهاجرت به اصفهان و دسترسی به نمونه‌های خط «باباشاه اصفهانی» سبک کار خود را تغییر داد. از میرعماد دو فرزند باقی ماند، پسرش «میر ابراهیم» و دخترش «گوهرشاد» (متوفی ۱۰۳۸ هـ ق) که هر دو خوشنویس بودند. همچنین «میر محمد علی»، همسر دخترش (داماد میرعماد) نیز اثر جمله شاگردان و پیروان مکتب میر بود. بعداً آنها خواهرزادگان میر «ملا یحیی قزوینی» و «عبدالرشید دیلمی» معروف به «رشیدا» یا «آقا رشید» - که به هند مهاجرت کرد و شیوه میر را در آنجا ادامه و آموزش داد- از خوشنویسان بنام روزگار خویش بودند.

برادرزادگان میرعماد، «میر یحیی اصفهانی» معروف به «میرثانی» نیز خوشنویس بود. عضو دیگر این خاندان «میر محمد امین سیفی» (نوه میرعماد) نیز اثر خوشنویسان اوایل سده دوازدهم هـ ق بود.



رقم محمد شفیق بن علی عسگر ارسنجانی، ۱۳۰۱ هـ ق
 «علی عسگر بن محمد شفیق ارسنجانی»، فرزند محمد شفیق، متخلص به «الحان» نیز شاعر و خوشنویس بود. همچنین «محمدعلی اشرف الکتاب» و «میرزا محمد ارسنجانی»، فرزندان ملا احمد (نوادگان علی عسگر ارسنجانی) نیز خوشنویس و مذهب بودند.

خاندان وصال شیرازی (سده ۱۳ هـ ق)

خاندان ادیب، خوشنویس و مذهب وصال شیرازی، از جمله مهم‌ترین خاندان‌های ایرانی دوره قاجار بودند که مصاحف بسیار نفیسی شامل قرآن، ادعیه، دیوان اشعار و قطعات خوشنویسی را اثر خود به یادگار گذاشتند. سرسلسله این خاندان هنرمند، «محمد شفیق شیرازی»، ملقب به «میرزا کوچک»، متخلص به «وصال» و با کنیه ابواحمد بود. او و فرزندان جملگی اثر پیروان طریقت ذهبیه و از مریدان میرازی سکوت بودند، که اتفاقاً اسامی فرزندان وصال نیز را همو (میرزای سکوت) انتخاب کرد.



رقم محمد شفیق وصال شیرازی، ۱۲۵۰ هـ ق
 او گاهی آثار خوشنویسی خود را با امضای «میرزا کوچک» و گاهی با نام «وصال شیرازی» رقم می‌زد. وصال همه خطوط متداول را خوش می‌نوشت. آثاری متعدد از او در خط نسخ، نستعلیق و شکسته نستعلیق موجود است؛ ولی در خط نسخ بیش اثر سایر خطوط مهارت داشت و در این خط علاوه بر استواری، ملاحظت و لطافت خاصی داشت. اثر ایشان شش فرزند ماند: احمد وقار، محمود حکیم، محمد داوری، ابوالقاسم فرهنگ، اسماعیل توحید و عبدالوهاب یزدانی.

«میرزا احمد شیرازی» متخلص به «وقار» (متولد ۱۲۳۲ هـ ق) شاعر و خوشنویس بود که در قلم نسخ هم‌تا نداشت. پس اثر وی «محمود شیرازی» متخلص به «حکیم» (متولد ۱۲۳۴ هـ ق) شاعر و پزشکی حاذق بود و خط نستعلیق را نیکو می‌نوشت.

سومین فرزند وصال «محمد» متخلص به «داوری» (متولد ۱۲۳۸ هـ ق)، شاعر و خوشنویس بنام بود که با وجود عمر کوتاهش آثار ماندگاری را خلق نمود. وی علاوه بر این‌ها در نقاشی و تذهیب نیز استاد بود. اثر آثار وی می‌توان به خط و تذهیب قبالة نکاح (عقدنامه) برادرش وقار اشاره کرد.

وی بعد اثر حضور در تهران، قرآنی به خط خودش را به ناصرالدین شاه تقدیم کرد، اما مهم‌ترین اثر وی شاهنامه‌ای است که برای محمدقلی خان ایلخانی کتابت

خاندان علیرضا عباسی (سده‌های ۱۰ و ۱۱ هـ ق)

علیرضا عباسی از جمله قله‌های هنر خوشنویسی ایران در قلم‌های نستعلیق و ثلث، هم‌زمان با میرعماد می‌زیست و در دارالسلطنه اصفهان آثار بدیعی را خلق کرد. فرزند وی، «بدیع الزمان تبریزی» ملقب به «بدیعا» خوشنویس، ادیب و حکیم برجسته سده یازدهم هـ ق نیز در قلم نستعلیق استاد بود.



قطعه نستعلیق به خط علیرضا عباسی، مرقع ۵۸۰۳، کتابخانه آستان قدس رضوی مشهد

خاندان ارسنجانی (سده ۱۳ هـ ق)

سرسلسله این خاندان شیرازی، «علی عسگر ارسنجانی» فرزند «کربلایی محمد شفیق» در ارسنجان دیده به جهان گشود. وی نسخ‌نویس برجسته و احتمالاً کاتب بیش از سی و شش مصحف قرآنی بود. او چهار فرزند هنرمند به نام‌های «محمد شفیق، احمد، محمد حسین و محمد حسن» داشت که هر چهار نفر از سرآمدان خوشنویسی روزگار خود بودند.

محمد شفیق، ملقب به «اشرف الکتاب» از نسخ‌نویسان بنام سده گذشته، که علاوه بر خط در زمینه نقاشی و تذهیب نیز دستی چیره داشت، ادامه دهنده شیوه نسخ‌نویسی ایرانی (به‌ویژه سبک احمد نیریزی)، شاعر و ادیب نیز بود. فرزند سوم خاندان ارسنجانی «ملا محمد حسین افختار الکتاب ارسنجانی» و چهارمین عضو خاندان «ملا محمد حسن» معروف به «آقا کوچک»، هر دو چندین مصحف قرآنی را کتابت نمودند.

نمود و به شاهنامه داوری معروف گردید. پس از بازگشت به شیراز در ۱۲۸۲ هـ.ق در سن چهل و پنج سالگی نقاب در خاک فرو کشید و در شاه چراغ دفن شد. فرزند چهارم این خاندان هنرمند، «میرزا ابوالقاسم» متخلص به «فرهنگ» (متولد ۱۲۴۲ هـ.ق) و پنجمین عضو خاندان وصال، «اسماعیل» متخلص به «توحید» اثر جمله نسخ نویسان برجسته روزگار خویش بوده است. کوچک‌ترین فرزند وصال، «میرزا عبدالوهاب» متخلص به «بزدانی» (متولد ۱۲۵۲ هـ.ق) در قلمرهای نستعلیق و شکسته تبخیر داشت. چندین نسخه کلیات سعدی و دیوان حافظ را کتابت کرد و کتیبه‌های شاه چراغ و حرم امام رضا (ع) در مشهد و بقعه سید میرمحمد شیرازی اثر اوست. همچنین «ابوالعالی میرعلی شیرازی»، خواهرزاده وصال نیز از خوشنویسان عهد ناصری بود.

منابع و مآخذ:

- شاهکارهای هنری در آستان قدس رضوی؛ منتخب قرآن‌های نفیس از آغاز تا سده نهم هـ.ق (جلد ۱) مؤسسه آفرینش‌های هنری آستان قدس رضوی. مشهد (۱۳۹۱)
- ریشار، فرانسیس (۱۳۸۵). کتاب ایرانی. ترجمه: ع. س. روحبخشان. انتشارات میراث مکتوب
- خلیلی، ناصر - جیمز، دیوید (۱۳۸۱). مجموعه هنر اسلامی؛ پس از تیمور. ترجمه: پیام بهتاش. نشر کارنگ
- سودآور، ابوالعلاء (۱۳۸۰). هنر دربارهای ایران. ترجمه: ناهید محمد شمیرانی. نشر کارنگ
- مجموعه مقالات خوشنویسی مکتب شیراز (۱۳۹۰). به کوشش: حمیدرضا قلیچ خانی. انتشارات فرهنگستان هنر
- پورتر، ایو (۱۳۸۹). آداب و فنون نقاشی و کتاب آرای. ترجمه: زینب رجبی. انتشارات فرهنگستان هنر
- ریاضی، محمدرضا (۱۳۷۴). فهرست نسخ خطی موزه ملی ایران. انتشارات سازمان میراث فرهنگی
- صفری آق قلعه، علی (۱۳۹۰). نسخه شناخت (پژوهشنامه نسخه شناسی نسخ خطی فارسی). انتشارات میراث مکتوب
- قاضی میراحمدبن احمد شرف الدین، حسین منشی قمی (۱۳۶۶). گلستان هنر. به تصحیح احمد سهیلی خوانساری. انتشارات منوچهری
- Uluc Laleh Turkmen governors, Shiraz artisans & Ottoman collectors (19 century shiraz manuscripts) Pub: Turkiyel Bankasi Kultur Yayinlari (۲۰۰۶)
- Thompson J.R. Canby shah of Huno Paradise Court Artsof Safavid Iran v۶-۱۵۰۱) Pub: Skira (۲۰۰۳)
- Wright Elaine Islam Faith Art Culture Manuscripts of the Chester Beatty Library) Pub: Scala (۲۰۰۹)
- Lings Martin Splendour of Quran Calligraphy and Illumination Pub: The Saur Islamic foundation (۲۰۰۵)

پی‌نوشت‌ها

(Endnotes)

- ۱ - مجموعه ارزشمندی از مصاحف قرآنی منسوب به ائمه اطهار (ع) در کتابخانه‌های مشهد، قم، موزه ایران باستان، موزه توقیاتی استامبول و... وجود دارد. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به:
 - رامین نژاد، رامین (۱۳۸۶) اسناد و دستنوشته‌های قرآنی؛ منسوب به معصومین (ع). بنیاد پژوهش‌های اسلامی. مشهد
 - ۲ - برای بررسی تاریخچه تشکیل کتابخانه در ایران، رجوع کنید به:
 - همایونفرخ، رکن الدین. تاریخچه کتاب و کتابخانه در ایران (مجموعه مقالات). مجله هنر و مردم
 - مایل هروی، نجیب (۱۳۷۲). کتاب آرای در تمدن اسلامی. به‌نشر. مشهد
 - آژند، یعقوب (۱۳۹۱). از کارگاه تا دانشگاه. انتشارات فرهنگستان هنر
 - ۳ - درباره شرح حال و آثار این خاندان کاتب و مذهب، رجوع کنید به:
 - مقاله «عصر طلایی هنر کتاب آرای ایران». کیانوش معتقدی. مجله آستان هنر. شماره ۱ / مشهد (۱۳۹۱)
 - ۴ - برای مطالعه بیشتر درباره شرح حال خاندان روزبهان شیرازی و آثارشان رجوع کنید به:
 - معتقدی، کیانوش (۱۳۹۲). گلستان هنر: روزبهان شیرازی. نشر پیکره
 - ۵ - تا آنجا که اطلاع داریم، «علی عسگر ارسنجانی» علاوه بر چندین کتاب ادعیه، احتمالاً کتابت چهار مصحف قرآنی را نیز برعهده داشته است که سی و ششمین نسخه هم اکنون در کتابخانه و موزه آستان قدس رضوی مشهد نگهداری می‌گردد.